خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۷ . ۷ محرم ۱۴۴۰ . شماره ۱۹۹۱۷

علینقی عالیخانی؛ تنظیم کننده خاطرات «اسدا... عَلَم»

علینقی عالیخانی، از سیاستمداران دوره پهلوی دوم بود. او در دوران نخست وزیری اسدا... علم، حسنعلی منصور و امیرعباس هویدا، وزارت دارایی را برعهده داشت. عالیخانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به خارج از کشور گریخت و اکنون در انگلیس زندگی می کند. وی، طبق وصیت اسدا... علم، مسئولیت تنظیم و انتشار خاطرات او را برعهده گرفت و آن ها را منتشر کرد.

تاریخ معاصر

رابطه شاه و انگلیس پس از شهریور ۱۳۲۰

شاه به اتفاق ریدر بولارد (چپ) وزیر مختار انگلیس

سحرگاه روز سوم شهریور ۱۳۲۰، کشور بی طرف ایران، از شمال و جنوب و غرب مورد تهاجم قرار گرفت. بلافاصله پس از اشغال ایران، رضاخان از پادشاهی ایران بر کنار و به جزیره موریس تبعید و به جای او پسرش محمدرضا انتخاب شد. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تبعید رضاخان به نوعی، پیامی برای شاه جدید هم بود که سیاست هایش را در حوزه داخلی و خارجی، با خواسته های دولت های پیروز جنگ، به ویژه انگلیس، همسو و هماهنگ کند. محمدرضا پهلوی نیز، برای حفظ حکومت خود، کوشید تا از الگویی که پیش رویش گذاشته بودند، تبعیت کند؛ الگویی که تا پایان سلطنت او، پایدار ماند. شاه برای جلب نظر انگلیس، دست به اقداماتی زد که در ادامه به بررسی برخی از آن ها می پردازیم.

تغییرات گسترده در حوزه بین المللی برای جلب نظر انگلستان: شاه برای جلب اعتماد متفقین و به ویژه بریتانیا، همکاری کامل با آن ها، حتی فرستادن نیروی داوطلب جنگ به اروپا و سکوت در برابر بازداشت ۵۰ افسر طرفدار آلمان را پذیرفت. در مقابل، انگلیس با امضای معاهده همکاری با ایران، به طور ضمنی، پشتیبانی از خاندان پهلوی را تضمین کرد. اقدام بعدی محمدرضا، تعیین سیاست خارجی جدید برای ایران بود که با اوضاع و احوال و خط مشی کشور انگلستان و نیروهای بیگانه و اشغالگر ایران، تطابق داشت؛ زیرا سیاست به ظاهر بی طرفانه رضاخان، در جنگ جهانی دوم، با شکست روبه رو شده بود و در شرایط آن روز، همکاری با انگلستان و متفقین می توانست بقای سلطنت شاه جدید را تضمین کند. به این ترتیب، دولت ایران متعهد شد با کلیه وسایل ارتباطی که در اختیار دارد، با انگلستان و متفقین همکاری کند و برای عبور لشکریان و استفاده از وسایل ارتباطی، حق استفاده نامحدود به متفقین بدهد و راه آهن، جاده ها، فرودگاه ها و تأسیسات تلگرافی و تلفنی خود را در اختیار متفقین و سربازان آنان بگذارد و متفقین حق داشته باشند قوای زمینی و هوایی و دریایی خود را، به تعدادی که لازم دارند، در خاک ایران نگه دارند. اقدام دیگری که به واسطه عبرت آموزی محمدرضا از برکناری و تبعید پدرش و با خواست متفقین انجام گرفت، اعلام جنگ به ژاپن و همچنین آلمانی بود که پهلوی اول، روابط حسنه و دوستانه ای با آن داشت. اما این موارد، تنها اقدامات شاه برای جلب نظر بریتانیا نبود و در ادامه، پس از پایان جنگ جهانی دوم، او که کاملاً از دچار شدن به سرنوشت پدر بیم داشت، دست انگلستان را در حوزه نفت و دخالت در تصمیمات سیاسی داخلی باز گذاشت. همین موضوع سبب شده بود تا ایران از موج تصمیمات استعمارگرانه بریتانیا بر کنار نماند. مظهر سیاست استعماری انگلیس در ایران، شرکت نفت ایران و انگلیس بود که دولتی در دولت به شمار می رفت و بدون هیچ ملاحظه ای، در امور داخلی ایران مداخله می کرد و ثروت ملی ایرانیان را به تاراج می برد و مالیاتی که بابت درآمدش به خزانه داری انگلیس می پرداخت، بیش از حق السهمی بود که به ایران می داد.

تغییرات گسترده در حوزه سیاست داخلی برای جلب نظر انگلستان: با هجوم نیروهای انگلیس و شوروی در شهریور ۱۳۲۰ و فروریختن پایه های استبداد، نارضایتی های سرکوب شده ۱۶ ساله، فرصت بروز و ظهور پیدا کرد. به همین دلیل، بریتانیا نگران شورش و در نتیجه ناآرامی ایران، به عنوان حافظ منافع انگلیس، بود. برای حل این مسئله، محمدرضا پهلوی کوشید در برابر دیدگان همه، خود را یک جوان غیر سیاسی تحصیل کرده کشور دموکراتیک سوئیس که همواره از حکمرانی مستبدانه پدرش ناراضی بوده است، نشان دهد، تا به این طریق بتواند اعتماد انگلیسی ها را جلب و وفاداری خود را ثابت کند. بر مبنای همین سیاست، از سقوط سلطنت نظامی رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ تا آغاز سلطنت نظامی محمدرضا پهلوی در مرداد ۱۳۳۲، قدرت شیوه متفاوتی با دوران رضاخان و متناسب با رضایت انگلیسی ها پیدا کرد. احزاب طرفدار انگلیس یا کسانی که در پشت پرده با این دولت استعمارگر ارتباط تنگاتنگ داشتند، اعلام موجودیت کردند. از معروف ترین این احزاب که سرسپرده انگلیس بودند، می توان به حزب وطن یا حزب اراده ملی سیدضیاء طباطبایی اشاره کرد. علاوه بر این، ترکیب هیئت وزرای دولت های ایران، در سال های نخست اشغال، از چیرگی نفوذ بریتانیا متأثر بود؛ به گونه ای که کابینه دولت را وزرایی در بر می گرفت که مقام خود را به بریتانیا مدیون بودند. همچنین، در حالی که انگلیسی ها از سیاستمداران و نظام سیاسی ایران برای گرفتن امتیازات بیشتر، دایم انتقادمی کردند، پست ریاست وزرا را همیشه افرادی بر عهده می گرفتند که به ظن بیشتر مورخان، هوادار منافع بریتانیا بودند.

روایت دکتر موسی حقانی از کتابی برای پاسخگویی به تطهیرکنندگان رژیم پهلوی

پهلوی ها از دریچه «یادداشت های عَلَم»

گروه اندیشه
info@khorasannews.com

خاطرات امیر اسدا... عَلَم، شخصیت پرنفوذ دربار محمدرضا پهلوی، یکی از بهترین منابع برای بررسی وقایع دوره پهلوی دوم محسوب می شود. دکتر موسی فقیه حقانی معتقد است: «عَلَم یک سری از واقعیت هایی را می دانست که شاه نمی خواست برملا شود. شاه در سال های آخر، برای نزدیکان خودش هم مامور گذاشته بود. رابطه شاه با عَلَم، در عین صمیمیت، این حد و مرز را داشت و عَلَم می دانست که شاه می تواند او را از بین ببرد. در یادداشت هایش هم، بارها اشاره کرده است که می ترسد زیاده روی هایی اتفاق افتاده و خشم شاه را برانگیخته باشد.» کتاب «آخرین شاه، آخرین دربار؛ سال های پایانی رژیم پهلوی به روایت اسدا... خان عَلَم»، به کوشش موسی فقیه حقانی که در بهار امسال از سوی موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران منتشر شده، در واقع خلاصه ای از دوره هفت جلدی یادداشت های اسدا... عَلَم است. آن چه در پی می آید، گفت و گوی این پژوهشگر و استاد تاریخ معاصر ایران، با ایبنا، درباره این کتاب و روایت هایی است که در آن وجود دارد.

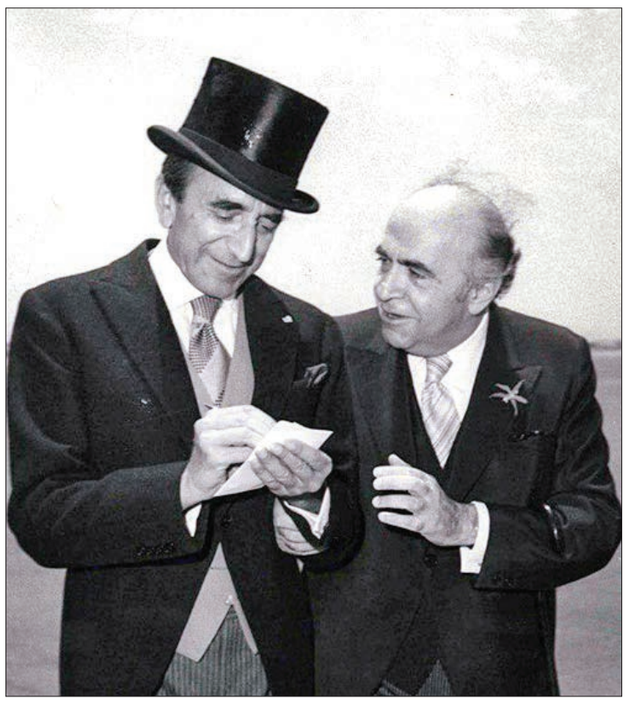

اسدا... علم (چپ) در کنار امیرعباس هویدا

اهمیت یادداشت های عَلَم در چیست؟

در وزارت دربار، عَلَم در خلوت ترین لحظات زندگی خصوصی شاه حضور داشت. بعد از ۲۸ مرداد، شاه در قامت یک دیکتاتور ظاهر شد و حتی سطوح خیلی پایین ارتش را هم خودش اداره می کرد. عَلَم به مدت ۱۰ سال، وزیر دربار بود. البته برخی از امور بود که شاه، حتی عَلَم را هم در جریان آن قرار نمی داد. اما به هر حال، در پیام هایی که شاه مخابره می کرد و کلیت امور و حتی، درباره فساد شاه، عَلَم آگاهی های زیادی داشت. البته او، در کنار امیر هوشنگ دولو قاجار، اردشیر زاهدی، امیر هوشنگ متقی و حسن قریشی، از کسانی بود که بساط فساد شاه را فراهم می کرد. برخی از عرصه ها هم بود که شاه خودش، به صورت مستقیم، با سفرای انگلیس و آمریکا وارد گفت و گو می شد و مسائل را حل و فصل می کرد. مسئله نفت از آن جمله بود. البته فرح، به دلیل این که عَلَم در مسائل فساد شاه نقش داشت، خیلی به او توجه نمی کرد. اما بقیه خاندان پهلوی، مثلاً خواهران و برادران شاه، مسائل خود با شاه را، از طریق عَلَم حل و فصل می کردند. تا سال ۱۳۵۶ که عَلَم در این سمت بود، در جریان تمام این مسائل قرار داشت. خودش هم در خاطراتش بیان می کند که کسی از این یادداشت ها خبر ندارد و جلد به جلد که می نوشت، به بانکی در سوئیس می فرستاد تا در آن جا نگهداری شود. این یادداشت ها، هم اکنون، یکی از منابع قابل اعتنا درباره دوره پهلوی و به ویژه ۱۰ سال پایانی آن است.

نقش عَلَم در دربار پهلوی چه بود؟

اسدا... عَلَم به خانواده ای مهم در شرق ایران وابسته بود. پدرش، شوکت الملک عَلَم بود و خانواده آن ها، در بیرجند و سیستان حکومت داشتند و از خانواده های متنفذ منطقه به شمار می رفتند و از مقطعی به بعد هم، در خدمت سیاست های استعماری انگلیس قرار گرفتند. در زمان رضاخان، خاندان عَلَم به همکاری و همراهی با رژیم پهلوی پرداختند و البته، از قدرت آن ها هم کاسته شد. عَلَم، تحصیل کرده رشته کشاورزی بود و به واسطه رابطه خانوادگی ای که با انگلیسی ها داشت، از سال ۱۳۲۷ وارد سیاست شد. او در شبکه جاسوسی «بدامن»، با شاپور ریپورتر همکاری می کرد. بعدها هم که ائتلاف آمریکایی-انگلیسی به این نتیجه رسید که مصدق را از کار بر کنار کند، عَلَم و اطرافیانش نقشی انکار نشدنی در کودتای ۲۸ مرداد ایفا کردند. در همین دوران، عَلَم به تدریج نقش بیشتری در فضای سیاسی پیدا کرد. او در دهه ۱۳۴۰، بعد از امینی، نخست وزیر شد. عَلَم در جریان قیام خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، با هزینه های زیاد، موفق به سرکوب مردم شد و بعد هم وزارت دربار را به عهده گرفت.

با توجه به موقعیتی که عَلَم در دربار پهلوی داشته است، چرا این یادداشت ها را به سوئیس می فرستاد؟

اگر کسی پهلوی ها را بشناسد، از این کار عَلَم تعجب نمی کند. عَلَم خودش هم در یادداشت هایش بارها به این مسئله اشاره کرده است که «الملک عقیم»؛ یعنی پادشاهی و قدرت، پشت خودش را نمی شناسد و حتی فرزندش را هم می کشد، تا قدرت خودش را حفظ کند. در تاریخ هم با شاهان بسیاری مواجه می شویم که برای حفظ قدرت شان، نزدیکان شان را هم به قتل رساندند. رضاخان هم، تمام کسانی را که در به قدرت رسیدن او تاثیر داشتند، به بهانه های مختلف کشت. عمده احساس خطر ها هم، توهم او یا پرونده سازی هایی بود که توسط شهربانی انجام می شد. اندکی بعد از سرکوب قیام ۱۵ خرداد، شاه از عَلَم خواست که استعفا کند. عَلَم هم بدون هیچ مقاومتی پذیرفت و این تمکین، حتی باعث تعجب محمدرضا شد.

چرا پذیرفت؟

چون جریان را می دانست و یک سری از واقعیت ها وجود داشت که شاه نمی خواست برملا شود. شاه در سال های آخر، برای نزدیکان خودش هم مامور گذاشته بود. رابطه شاه هم با عَلَم، در عین صمیمیت، این حد و مرز را داشت و عَلَم می دانست که شاه می تواند او را از بین ببرد. در یادداشت هایش هم، بارها اشاره کرده است که می ترسد زیاده روی هایی اتفاق افتاده و خشم شاه را برانگیخته باشد.

اطلاعات موجود در این یادداشت ها، چقدر قابل اعتماد است؟

هم نباید خیلی بزرگ نمایی کرد و هم نباید مواردی را نادیده گرفت؛ مسائل بسیاری هست که عَلَم به آن ها نپرداخته و در منابع دیگر موجود است. در برخی از موارد هم، قضاوت اشتباه کرده که دکتر عالیخانی هم، در جلد هفتم، به اشتباهات او اشاراتی داشته است. نمی شود کسی هفت جلد، حدود سه هزار صفحه، بنویسد و اشتباهی نداشته یا در برخی موارد، دچار غرض ورزی نشده باشد. اما با در نظر گرفتن نقاط ضعف، یادداشت های عَلَم، از مهم ترین منابع بررسی وقایع سال های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ محسوب می شود.

> توصیه می کنم کسانی که به تاریخ معاصر علاقه مند هستند، یادداشت های عَلَم را بخوانند. عَلَم، سقوط رژیم پهلوی را پیش بینی کرده بود. متاسفانه در سال های اخیر، از سوی برخی افراد، تلاش هایی برای تطهیر این رژیم صورت می گیرد که اغلب افرادی هستند که یا خودشان در آن دوره زندگی نمی کردند، یا در آن دوره بودند و توجهی به مسائل پیرامون شان نداشتند

شما چه رویکردی در حذفیات و خلاصه کردن یادداشت ها داشته اید؟

اصل یادداشت ها در هفت جلد موجود است. اما این یادداشت ها، ترتیب موضوعی ندارد و فرد باید همه هفت جلد را بخواند تا به موضوعی پی ببرد. البته در جلد هفتم، فهرستی آمده است که کمی کمک می کند. من خواستم نسخه ای از این هفت جلد آماده کنم که توالی تاریخی در آن رعایت شود و در عین حال، تقسیم بندی موضوعی داشته باشد. مثل خانواده، سیاست داخلی، سیاست خارجی، روحیات و شخصیت شاه و...؛ اگر کسی فرصت مطالعه آن هفت جلد را نداشته باشد یا بخواهد موضوع خاصی را در این یادداشت ها جست و جو کند، به این ترتیب و با مراجعه به این کتاب، راحت تر می تواند به هدفش برسد. درباره حذفیات هم باید بگویم که مهم ترین بخش های آن ۷ جلد در این کتاب موجود است. علاوه بر این، درباره هر شخصیتی هم که توضیح داده شده، عکس هایی در این کتاب آمده است که عکس ها را هم من اضافه کرده ام. در مجموع، این کتاب خلاصه ای از یادداشت های عَلَم است که توالی تاریخی و تقسیم بندی موضوعی دارد.

نگاه شخصی عَلَم به رژیم پهلوی چگونه بود؟

او در جای جای یادداشت هایش، به این رژیم، اظهار سرسپردگی می کند. شاید از ترس لو رفتن یادداشت ها بوده و شاید هم واقعا علاقه داشته است. به نظر می رسد که علاقه ای بین او و شاه وجود داشته، اما از سوی دیگر، احتیاط هم می کرده است که اگر یادداشت ها به دست کسی افتاد، جانفشانی ها و سرسپردگی ها دیده شود! چون در عین حال، نقدهایی هم به رژیم سلطنتی و شخص شاه و خانواده اش و دولت دارد. یک جا می نویسد که دوره این حکومت گری ها گذشته است؛ اما همان جا، یادآوری می کند که خدا به شاه عمر طولانی دهد! معلوم است که این ها را برای رد گم کردن می نویسد. البته در مورد شاه هم، در بعضی موارد، اشتباه می کند. عَلَم در برخی جاها، خانواده شاه، وضعیت عمرانی کشور، بی سوادی مردم و... را به نقد می کشد؛ غافل از این که خود او هم در این بی سامانی، نقش عمده ای ایفا کرده است! در روزگاری که عَلَم وزارت دربار را برعهده داشت، هویدا هم نخست وزیر بود و خودش حزبی به نام «حزب مردم» داشت. عَلَم در مطبوعاتی نظیر «تهران مصور» یا «خواندنی ها» که مدیرانش از آدم های او بودند، افرادی را تحریک می کرد تا علیه هویدا و دولتش مطلب بنویسند.

شما برای تهیه این کتاب، از چه نسخه ای استفاده کردید؟

مبنای کار من، مجموعه ای دو جلدی بود که انتشارات «طرح نو» منتشر کرد؛ با عنوان «گفت وگوی من با شاه». آن هم در واقع خلاصه ای از شش جلدی بود که تا آن موقع منتشر شده بود. چون جلد هفتم که در واقع آخر و دیرتر از همه به چاپ رسید، در واقع جلد اول یادداشت های عَلَم محسوب می شود. این مجموعه هفت جلدی، در خارج از کشور منتشر شده بود. من از آن مجموعه دو جلدی طرح نو استفاده و البته به جلد هفتم هم مراجعه کردم.

چرا در سال های اخیر تلاش هایی برای تطهیر رژیم پهلوی در حال انجام است؟

توصیه می کنم کسانی که به تاریخ معاصر علاقه مند هستند، یادداشت های عَلَم را بخوانند. این یک جلد، خواندنش راحت تر هم هست و بارویکردها و رفتارهای رژیم پهلوی، در ۱۲-۱۰ سال آخر عمرش، آشنامی شوند. عَلَم سقوط پهلوی را پیش بینی کرده بود. متاسفانه در سال های اخیر، از سوی برخی افراد، تلاش هایی برای تطهیر پهلوی صورت می گیرد که اغلب افرادی هستند که یا خودشان در آن دوره زندگی نمی کردند، یا در آن دوره بودند و توجهی به مسائل پیرامون شان نداشتند. برای درک واقعیت مسائل این دوره، بهتر است این یادداشت ها را بخوانند.

تاریخ جهان

هاردینگ؛ رئیس جمهوری که اقتصاد جهان را ویران کرد

در سال ۱۹۲۲، هاردینگ رئیس جمهور جمهوری خواه آمریکا، با اتخاذ سیاست های سختگیرانه و افزایش ناگهانی عوارض گمرکی، اقتصاد جهان را به آستانه ویرانی کشاند. به گزارش تاریخ ایرانی، اولین پیامد این تصمیم، سقوط بازارهای مالی و بدهکار شدن اروپا بود و پیامد نهایی آن، در واقع به شکل یک بحران جهانی اقتصاد و بیکاری های گسترده خود را نشان داد. این منطق در نگاه اول شاید جذاب و فریبنده به نظر می رسید: برای حمایت از اقتصاد خودی در برابر رقبای مزاحم خارجی، باید محصولات آن ها گران تر شود و به همین دلیل لازم است مقررات جدید گمرکی وضع شود یا عوارض گمرکی افزایش قابل ملاحظه ای پیدا کند. امروز، دونالد ترامپ، دقیقاً بر اساس منطق گفته شده، در حال زیرورو کردن اقتصاد جهان است. نزدیک به صد سال پیش نیز، حزب جمهوری خواه ایالات متحده آمریکا، دقیقاً همین منطق را نمایندگی می کرد. این حزب از زمان انتخابات در نوامبر ۱۹۱۸، اکثریت کرسی های دو مجلس و به عبارتی کنگره آمریکا را در اختیار داشت و از مارس ۱۹۲۱ نیز، با پیروزی «وارن جی. هاردینگ»، صندلی ریاست جمهوری در اختیار جمهوری خواهان قرار گرفت. سیاست های حمایتی و به عبارت درست تر، وضع قوانین گمرکی علیه واردات، در واقع از جمله وعده های اصلی هاردینگ در انتخابات ریاست جمهوری به شمار می رفت.

■ امضای قانون گمرکی فوردنی-مک کامبر

هاردینگ در سپتامبر سال ۱۹۲۲، با امضای قانون گمرکی موسوم به فوردنی - مک کامبر سیاست مد نظر خود را اجرایی کرد. فوردنی و مک کامبر دو کارشناس مالی و اقتصادی جمهوری خواهان در مجالس نمایندگان و سنا بودند و قانون وضع شده از سوی آن ها، در واقع عوارض گمرکی را برای کالاهای ورودی به ایالات متحده آمریکا، به صورتی عجیب افزایش می داد. فوردنی و مک کامبر برای نهادینه شدن این به اصطلاح «عوارض عادلانه»، نوعی سیستم پیچیده متشکل از کمیسیون های مختلف را نیز در نظر گرفته بودند؛ اما نتیجه این قانون، بیش از همه، به همان کشاورزان و صاحبان صنایعی ضرر و زیان رساند که به ادعای سیاستمداران آمریکایی قرار بود در پناه این عوارض گمرکی، مورد حمایت قرار بگیرند.

■ دلایل یک سقوط

البته این مسئله دلایل مختلفی داشت. نخست این که آن دسته از کشورهایی که هنوز موظف به بازپرداخت وام هایی بودند که در دوره جنگ جهانی اول از آمریکا گرفته بودند، دیگر قادر به ادای دیون خود نشدند؛ زیرا از ورود به بازارهای ایالات متحده و صدور کالاهای خود به این کشور عملا محروم شده بودند. پیامد این مسئله فشار مضاعف بر بانک های آمریکایی بود؛ زیرا این بانک ها نیز از دریافت اقساط وام هایی که داده بودند، محروم شدند و دیگر امکانی برای سرمایه گذاری داخلی نداشتند. دوم این که افزایش عوارض واردات موجب افزایش قیمت ها در داخل خاک آمریکا شد؛ زیرا این بزرگ ترین قدرت صنعتی جهان به هیچ عنوان از نظر اقتصادی خود کفا نبود و برای ادامه حیات خود، به واردات کالاهایی مشخص نیاز داشت. سوم این که کشورهای اروپایی نیز، متقابلاً برای واردات کالاهای مشخصی از ایالات متحده، عوارض سنگینی وضع کردند. به عنوان مثال فرانسه عوارض گمرکی برای خودروهای ساخت آمریکا را از ۴۵ به ۱۰۰ درصد افزایش داد و اسپانیا برای همه کالاهای آمریکایی، عوارضی ۴۰ درصدی مقرر کرد. حتی بازنده جنگ، یعنی آلمان و ایتالیای از نظر اقتصادی کاملا ورشکسته نیز، برای واردات غلات آمریکایی عوارض ویژه ای وضع کردند و نتیجه آن تصمیم اشتباه هاردینگ، تضعیف کلیت اقتصاد بود. البته این وضعیت در آغاز کار و به دلیل رشد شاخص ها در بازارهای بورس آمریکا، چندان به چشم نیامد. با این حال، دولت آمریکا نیز برای مقابله با پیامدهای منفی سیاست های جدید گمرکی بر صادرات خود، تمهیداتی را در نظر گرفت. برای مثال، اعلام شد که آمریکا وام هایی کوتاه مدت و مناسب تر به کشورهای خارجی به ویژه آلمان و همین طور اتریش اعطا می کند. نتیجه این تصمیم، قاعدتا باید به تقویت واردات کالاهای آمریکایی به بازارهای این کشورها منجر می شد، اما بسیاری از این وام ها تا سال ۱۹۲۹ بازپرداخت نشد و این چهارمین اثر منفی سیاست افزایش عوارض گمرکی بود.

■ هشدارهایی که شنیده نشد

طی همه آن سال ها، مخالفان این سیاست به اندازه کافی درباره پیامدهای آن هشدار داده بودند. «کوردل هال» نماینده دموکرات که بعدها در دولت پرزیدنت فرانکلین دی. روزولت، به وزارت خارجه ایالات متحده رسید، پیامدهای قانون فوردنی - مک کامبر را این گونه تشریح کرد: «قدرت ما در بازارهای فروش خارج از کشور وابسته به مقرون به صرفه بودن کالاهایمان و عوارض گمرکی آن کشورهاست و عوارض گمرکی خودمان هم، برای هر دو طرف، یک فاکتور مهم محسوب می شود. آن ها با این سیاست در واقع مقرون به صرفه بودن کالاهای آمریکایی را تضعیف کرده و در نهایت و به عنوان نتیجه آن سیاست، در عمل عوارض گمرکی برای کالاهای آمریکایی در خارج را افزایش داده اند.» هنری فورد، مالک کارخانه مشهور خودروسازی آمریکا نیز، پیش از اجرایی شدن این سیاست به اصطلاح حمایتی، درباره پیامدهای آن هشدار داده بود. به گفته فورد، اگر چه ایالات متحده آمریکا کشوری کلیدی در عرصه فناوری محسوب می شد، اما این سیاست جدید در واقع شانس این صنایع را در داخل بازارهای خود آمریکا نیز، کاهش می داد و آن را با خطر مواجه می کرد.

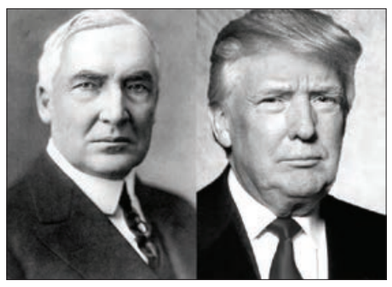

گزارش تاریخی

روابط ۲ رژیم به روایت اسناد لانه جاسوسی

موشه دایان و چند تن از همراهان در سفر به ایران

دقیقاً یک روز پس از تصویب طرح تقسیم فلسطین از سوی سازمان ملل متحد، در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، جنگ های طولانی میان اعراب و رژیم صهیونیستی آغاز شد. به گزارش مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، مدتی بعد و با تشکیل رژیم غاصب صهیونیستی، تمامی کشورهای عرب همسایه فلسطین، به طور همزمان، به این رژیم حمله کردند و این نبردها، تا سال ۱۹۷۳، به صورت چندجانبه و تا امروز، به صورت دو جانبه میان فلسطینی ها و رژیم صهیونیستی ادامه یافته است. در این بین، موضع ایران طی سال های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، موضعی کاملاً متفاوت با دیگر کشورهای اسلامی بوده است. شاه برخلاف بسیاری از کشورهای اسلامی، در اسفند ماه ۱۳۲۸، رژیم صهیونیستی را به صورت «دوفاکتو» به رسمیت شناخت و این رویکرد تا پایان عمر رژیم پهلوی وجود داشت. با این حال، به دلیل نگاهی که عموم مسلمانان جهان به فعالیت های رژیم صهیونیستی داشتند، رژیم پهلوی تمام تلاش خود را برای مخفی نگه داشتن این روابط به کار می بست. هرچند روابط پهلوی با رژیم صهیونیستی، از سال ۱۳۲۹ شروع شد، ولی در دوران نخست وزیری مصدق، این روابط به طور موقت، قطع شد و عملا، از سال ۱۳۳۲ و پس از کودتای ۲۸ مرداد، این روابط دوباره در ابعاد مختلف اقتصادی، نظامی، فرهنگی و سیاسی توسعه پیدا کرد. این ارتباطات در دهه ۱۳۵۰، به اوج خود رسید. طبق اسناد لانه جاسوسی، در این دوران، مبادلات تجاری ایران با رژیم صهیونیستی، به ارقام بسیار بالایی رسیده بود. در سال ۱۳۵۲، صادرات رژیم صهیونیستی به ایران به ۳۳ میلیون دلار بالغ می شد. این مبلغ در سال بعد، به ۶۳ میلیون دلار و در سال ۱۳۵۷، به رقم عجیب ۲۲۵ میلیون دلار افزایش پیدا کرد که برابر با هفت درصد کل صادرات رژیم صهیونیستی بود. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی نیز، به عنوان یکی از اصلی ترین خریداران نفت ایران در این سال ها شناخته می شد.

■ صهیونیست ها و پروژه شکوفه!

طبق گزارش های موجود در اسناد لانه جاسوسی آمریکا، در سال ۱۳۵۶، قراردادی به مبلغ یک میلیارد دلار، با نام پروژه شکوفه، میان رژیم صهیونیستی و رژیم پهلوی منعقد شد که یکی از مفاد این قرارداد، تعهد ساخت یک موشک بالستیک سطح به سطح، با قابلیت حمل کلاهک هسته ای از سوی رژیم صهیونیستی برای ایران بود. در واقع باید گفت که رژیم صهیونیستی، برنامه بسیار منسجمی برای برقراری روابط عمیق با پهلوی ها داشت. به طور کلی، این روابط را سفرا و نمایندگان رژیم صهیونیستی در ایران، تنظیم می کردند. قدرت برخی از این افراد، از جمله «مئیر عزری» که بیش از ۱۵ سال در ایران به عنوان سفیر فعالیت می کرد، به حدی بود که در انتخاب برخی وزرا نیز تأثیر گذار بود. طبق گزارش های اسناد لانه جاسوسی، عزری جزو معدود سفرای دولت های خارجی در ایران بود که بدون هیچ مزاحمتی با شاه دیدار می کرد و روابط بسیار نزدیکی با مقامات رژیم پهلوی داشت. وجود ذخایر غنی نفتی در ایران و وقوع جنگ های رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی، یکی از دلایل افزایش روابط شاه و رژیم صهیونیستی در دهه ۱۳۵۰ بود. تا پیش از این، بخشی از نفت رژیم صهیونیستی به وسیله کشورهای عربی تأمین می شد، ولی با آغاز جنگ های دهه ۱۳۵۰، میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، صهیونیست ها با پیشنهاد آمریکا، گرایش بیشتری به رژیم پهلوی پیدا کردند.

صفحه آرایی
واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
روزنامه | مجله | ویژه نامه | کتاب
اینفوگرافیک | گرید | لوگو
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

پنج شنبه هر هفته ضمیمه جوان روزنامه خراسان

جناب آقای
مهندس خلیل سهرابیان
(آرشیتکت)
انتخاب جنابعالی به عنوان
چهره ماندگار طراح مراکز تجاری ...
در پنجمین همایش تهران و تجلیل و تقدیر
از کوشش های خیرخواهانه و هنرمندانه شما موجب مباهات است.
خانواده های جوادی- صفی آبادی- غفاری
لطفی مقدم
م/۹۷۱۰۰۲۰۹

آقای دکتر حسین رستگار مقدم
قبولی و موفقیت شما را در رشته تخصصی
جراحی دهان فک و صورت دانشگاه تهران
تبریک عرض می نمائیم و بهروزی و توفیق
روزافزونتان را از درگاه خداوند متعال آرزومندیم.
مادربزرگ و دائی ها حاج جواد، حمید، حسن
سعید و مسعود
م/۹۷۱۰۰۶۰۹

جناب آقای مهندس بیاتی
انتصاب شایسته حضرتعالی را به سمت
سرپرست طرح های توسعه منابع آب
شرکت آب منطقه ای خراسان رضوی
تبریک عرض نموده و توفیق روز افزونتان
را از خداوند متعال خواستاریم.
شرکت ساز آب صنعت پژوه
م/۹۷۱۰۰۷۵۱

جناب آقای
مهندس کامیار صفی آبادی
دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد معماری
را صمیمانه تبریک می گوئیم.
خانواده های سهرابیان- جوادی
غفاری- لطفی مقدم
م/۹۷۱۰۰۲۱۲

جناب حاج حسین آقای شادکام تربتی
مدیر محترم کاروان زیارتی ۱۹۰۱۸
بدین وسیله مراتب سپاس و امتنان خود را از
زحمات خالصانه شما و پرسنل خدوم در مراسم
حج ابراهیمی امسال ابراز می داریم.
حاج جواد عرفانیان، حاجیه خانم زهرا عرفانیان
م/۹۷۱۰۰۵۸۴

خواهر عزیزمان
سرکار خانم دکتر الناز قربانی
قبولی شما در آزمون دکتری تخصصی (phd)
وزارت بهداشت در رشته باکتری شناسی روزانه
دانشگاه علوم پزشکی مشهد با رتبه ممتاز
غرورآفرین است. تبریکات ما را پذیرا باشید.
از طرف خانواده ات
م/۹۷۱۰۰۷۸۱

آگهی تغییرات شرکت سایه گستر مرو شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۹۳۲۳ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۵۰۷۴۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - موسسه حسابرسی پیام محاسب ایرانیان به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۴۶۶۰۰۰ به سمت بازرس اصلی و آقای امیر حسام زاده با کد ملی ۰۹۳۳۴۵۳۲۰۵ به سمت بازرس علی البدل برای یک سال مالی انتخاب شدند. - روزنامه کثیرالانتشار خراسان جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد. - اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال تعیین گردیدند: آقای محمود حقی به شماره ملی ۰۸۳۹۴۷۷۳۳۳ خانم مهشید حجازی به شماره ملی ۰۰۵۶۳۹۲۷۷۱ آقای مسعود امینی به شماره ملی ۰۹۳۸۷۷۸۸۸۹ آقای هوشنگ وهابی به شماره ملی ۵۷۳۹۷۵۸۴۱۶ و آقای منوچهر وهابی به شماره ملی ۰۰۵۲۳۳۴۹۷۱
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۳۶۷۴۵)
م/۹۷۱۰۰۵۸۵

آگهی انحلال شرکت سازه خاور شرکت سهامی خاص
به شماره ثبت ۳۷۵۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۹۶۴۷۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۵ با انحلال شرکت موافقت و آقای احسان مشایخی کد ملی ۰۹۳۸۰۰۱۸۱۷ به سمت مدیر تصفیه برای مدت ۲ سال انتخاب گردید و نشانی محل تصفیه مشهد بلوار وکیل آباد سامانیه ۱۶ پلاک ۲۹ می باشد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۳۶۷۴۸)
م/۹۷۱۰۰۵۹۵

آگهی تغییرات موسسه آموزش علمی و کاربردی تصمیم یار توس
به شماره ثبت ۱۴۶۲ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۳۷۸۵۳
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۰۹ ونامه شماره ۲۴۰۸۲ مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۴ دانشگاه فردوسی مشهد تصمیمات ذیل اتخاذ شد : نشانی مرکز اصلی شرکت از محل قبلی به آدرس استان خراسان رضوی شهرستان مشهد بخش مرکزی شهرمشهد محله نمایشگاه خیابان جاهد[هاشمی رفسنجانی۲] بن بست((شهرداری)) پلاک ۰ طبقه همکف باکدپستی ۹۱۸۴۳۱۳۴۳۰ انتقال یافت وماده مربوطه در اساسنامه به شرح مزبور اصلاح گردید .
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۳۰۴۱۵)
م/۹۷۰۹۸۶۷۵

CMYK